



ORIGINAL RESEARCH PAPER

## Studying Forms of Interference and Criminal Liability of Omission in Iran and England Criminal Law

Amin Kouhian Afzal<sup>1</sup>, Gholamhossein Masoud<sup>2\*</sup>,  Mohsen Shekarchizadeh<sup>3</sup>

**Received:**

12 Jul 2021

**Revised:**

29 Aug 2021

**Accepted:**

09 Sep 2021

**Available Online:**

01 Oct 2021

**Keywords:**

Interference in committing a crime,  
Criminal liability,  
Omission,  
Criminal law,  
Iran,  
England.

Abstract

**Background and Aim:** Refraining to accomplish legal duties (omission) is always considered as one prevailing aspect of actus reus. Moreover, it may cause some highly controversial crimes in terms of both actus reus and mens rea. The present research investigates forms of interference and criminal liability of omission in Iran and England criminal laws.

**Materials and Methods:** A descriptive-analytical method was used to carry out this theoretical study. Research data were drawn from available documents, books, and articles using a library method.

**Ethical Considerations:** In this research, the authenticity of texts, honesty, and confidentiality were carefully preserved.

**Findings:** Research data shed light on the criminalization basis of omission in Iran and England criminal laws. It has followed such principles as legal ethics, the principle of necessity, and expediency which are known as the social basis by which the legislator justifies criminalization of omission as criminal behavior.

**Conclusion:** The current study found that all criminal titles could be realized in crimes caused by omission by reviewing the elements and components of criminal descriptions. To put it simply, there is always the possibility of assistance, participation, and other criminal acts in crimes committed due to omission. This is also true for England's criminal law.

<sup>1</sup> Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

<sup>2\*</sup> Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Corresponding Author) Email: [gh.masoud@iaun.ac.ir](mailto:gh.masoud@iaun.ac.ir) Phone: +983142292929

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

**Please Cite This Article As:** Kouhian afzal, A; Masoud, Gh & Shekarchizadeh M (2021). "Studying Forms of Interference and Criminal Liability of Omission in Iran and England Criminal Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (3): 1-15.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۵)

## بررسی اشکال مداخله و مسؤولیت کیفری جرم ترک فعل در حقوق کیفری ایران و انگلستان

امین کوهیان افضل<sup>۱</sup>، غلامحسین مسعود<sup>۲</sup>، محسن شکرچی زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)  
Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** همواره امتناع از انجام وظایف قانونی (ترک فعل) به عنوان یکی از جلوه‌های غالب رکن مادی جرایم شناخته می‌شود، همچنین امکان تحقق برخی از جرایم به صورت ترک فعل نه تنها از نظر رکن مادی با چالش جدی روبه‌رو است، بلکه از نظر رکن روانی نیز محل بحث و تردید است. از این‌رو هدف این مقاله بررسی اشکال مداخله و مسؤولیت کیفری جرم ترک فعل در حقوق کیفری ایران و انگلستان است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد که مبانی جرم‌انگاری ترک فعل در نظام حقوقی ایران و انگلستان از مبانی همچون اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرورت و همچنین مصلحت‌گرایی تبعیت نموده است که به عنوان مبانی اجتماعی توجیه‌گر قانون‌گذار در جرم‌انگاری ترک فعل به عنوان رفتار مجرمانه شناخته می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** با بررسی عناصر و اجزای هر یک از اوصاف مجرمانه در این مقاله این مهم به دست آمد که عناوین مجرمانه همگی در جرایم ارتكابی از طریق ترک فعل نیز قابلیت تحقق دارد. به عبارت دیگر امکان معاونت، شرکت و یا سایر اوصاف مجرمانه در جرایم ارتكابی از طریق ترک فعل نیز امکان‌پذیر است این مسأله در نظام حقوقی انگلستان نیز از وضعیت مشابهی برخوردار است.

**کلمات کلیدی:** مداخله در ارتكاب جرم، مسؤولیت کیفری، جرم ترک فعل، حقوق کیفری، ایران، انگلستان.

## مقدمه

## ۱- بیان موضوع

در علم اخلاق اندیشه و پندارهای اشخاص مورد بررسی قرار می‌گیرد این در حالی است که در حقوق جزا براساس اصول حاکم صرفاً رفتار افراد محل تأمل و بررسی است، بنابراین رکن مادی جرم به عنوان محل نمود رفتار مجرمانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفتار مادی یا رکن مادی به دو شکل عمده فعل مثبت یا ترک فعل نمود پیدا می‌کند، در جرائمی که رکن مادی آنها ترک فعل می‌باشد، گاهی قانون‌گذار وظیفه و تکلیفی برای افراد معین کرده که در صورت امتناع شهروندان از انجام آن برای مرتکب مجازات در نظر گرفته است. قانون‌گذار نیز در تمام ادوار قانون‌گذاری به صراحت اعلام نموده که رفتار مجرمانه اعم از فعل و ترک فعل است این امر در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به صراحت ذکر شده است.

مدتهاست ترک فعل، بعنوان جزئی از رکن مادی، مورد توجه حقوقدانان و حتی فلاسفه قرار دارد. برای آنکه رفتار انسان جرم تلقی شود، وجود سه عنصر لازم است. عنصر قانونی، یعنی وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد. عنصر معنوی، بدین معنا که رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۸۸).<sup>۱</sup> ترک فعل به عنوان یکی از اشکال نمود اراده مجرمانه، در صورتی می‌تواند واجد وصف مجرمانه باشد که اولاً شخصی که مکلف به انجام وظیفه‌ای شده است از انجام آن امتناع نماید، خواه در آن زمان دست به اعمال دیگری بزند یا اصلاً مشغول هیچ کاری نگردد، آنچه مهم است امتناع از خواسته قانون‌گذار می‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

دیگر اینکه ترک فعل در صورتی می‌تواند به عنوان رفتار مجرمانه در نظر گرفته شود که قانوناً شخص ملزم به انجام تکلیفی باشد، بدین معنا که نوعی تعهد برای شخص وجود داشته باشد، خواه منشاء تعهد، قانون باشد یا قرارداد مانند

تعهد به نجات غریق که منشأ تعهد وجود قرارداد می‌باشد نه الزام قانونی.

قانون‌گذار در مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اولین بار به صورت قاعده‌مند شرایط تحقق مسؤولیت کیفری در ترک فعل را در ماده ۲۹۵ ق.م.ا ذکر کرده است، گرچه قانون‌گذار این مقرر را در کتاب سوم یعنی مقررات مربوط به قصاص ذکر نموده اما تمامی شرایط این ماده در سایر جرائمی که رکن مادی آنها از طریق ترک فعل محقق می‌گردد، خواه مستوجب قصاص باشد یا تعزیر جریان دارد.

در حقوق ایران تکلیف و مراقبت از شهروندان برای تمامی افراد جامعه در نظر گرفته شده است به نحوی که در قانون خودداری از کمک به مصدومین مصوب ۱۳۵۴ این تکلیف شامل همه شهروندان می‌باشد بدون آنکه نیاز به نوع خاصی از رابطه مدنظر باشد.

در حقوق انگلستان مسأله ترک فعل در موارد بسیار خاصی به عنوان رفتار مجرمانه تلقی می‌گردد و غالباً این مسأله در حقوق شبه جرم‌ها<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این کشور وجود تکلیف و یا الزام قانونی در حدود مسؤولیت مدنی بکار می‌رود گرچه در مواردی در مسؤولیت‌های قراردادی بکار برده شده است (Clarkson, 2005: 262).

در این نظام حقوقی اولاً هر فردی مکلف به مراقبت از افراد جامعه نیست بلکه مکلف به رعایت احتیاط و مراقبت از گروه خاصی است به شرط آنکه امکان پیش‌بینی زیان برای او وجود داشته باشد، ثانیاً نوعی رابطه خاص بین بزه‌دیده و بزه‌کار وجود داشته باشد (Hart, 2009: 50).

جرائم ترک فعل از حیث مبانی جرم‌انگاری از جرائم ایجابی نیز متفاوت است چراکه ملاک و مبنا در جرائم ایجابی، عدم اضرار به غیر و حفظ مصالح یا نظم عمومی است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۲۲)؛ حال آنکه در جرائم ترک فعل ایجاد حس تعاون و همکاری در میان اعضا جامعه مدنظر است یعنی قانون‌گذار

<sup>۱</sup> - Tort law

قانونگذار و انجام تکلیف قانونی دانسته که نیاز به نتیجه ندارد و اگر نتیجه‌ای در پی داشته باشد اهمیت ندارد. چرا که خارج از عنصر مادی جرم بوده و تارک سبب تحقق نتیجه مجرمانه نیست. از اینرو در قبال آن مسؤلیت کیفری ندارد. مجازات، به خاطر نفس امتناع است، این امتناع می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد.

یزدیان جعفری در تحقیقی با عنوان بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر، بیان می‌دارد: جرم‌انگاری حداکثری یعنی مسؤلیت آحاد شهروندان در قبال افراد در معرض خطر که نشانگر توجه قانونگذار به اصول اخلاقی و لزوم همبستگی اجتماعی به عنوان مبانی جرم‌انگاری ترک فعل بوده است. قانونگذار ما از میان دیدگاه‌های مختلف در خصوص جرم‌انگاری عمل، دیدگاه حداکثر را برگزیده و وظیفه عمومی کمک را برای همه مقرر کرده است. (یزدیان جعفری،

۱۳۹۳: ۱۱۵)

با این تفصیل هدف این مقاله بررسی اشکال مداخله و مسؤلیت کیفری جرم ترک فعل در حقوق کیفری ایران و انگلستان است. امتناع از انجام وظایف قانونی (ترک فعل) به عنوان یکی از جلوه‌های غالب رکن مادی جرایم شناخته می‌شود. همچنین امکان تحقق برخی از جرایم به صورت ترک فعل نه تنها از نظر رکن مادی با چالش جدی روبه‌رو است، بلکه از نظر رکن روانی نیز محل بحث و تردید است. پرداختن به این مسایل و ارایه راهکار مناسب می‌تواند از دلایل اهمیت پرداختن به موضوع باشد. به عبارت دیگر، مساعدت علمی به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران برای اتخاذ بهترین راهبردها در جهت حل مسائل اصلی جامعه از دلایل اهمیت پرداختن به موضوع است.

این در حالی است که قبل از بحث از ارکان تشکیل دهنده ترک فعل به عنوان رفتار مجرمانه بحث از مبانی جرم‌انگاری ترک فعل خود می‌تواند به اهمیت موضوع بیفزاید، چرا که جرم‌انگاری ترک فعل از مبانی خاصی تبعیت می‌نماید.

هدف از جرم‌انگاری این رفتار را ایجاد حس تعاون در بین شهروندان می‌داند. همین امر یعنی اختلاف در مبانی جرم‌انگاری و عدم تبعیت از قواعد عام جرم‌انگاری در قلمرو کیفری منجر شده است. در کشوری همانند انگلستان بیشتر موارد ترک فعل صرفاً در گستره مسؤلیت مدنی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و حتی‌الامکان از حقوق کیفری خارج گردد. نظام‌های حقوقی در بحث مداخله‌کنندگان در ارتکاب جرم اشکال مداخله را تحت عناوینی همچون شرکت در جرم، معاونت، فاعل معنوی، مباشرت و مسؤلیت کیفری مطرح می‌کنند. نظام حقوقی ایران نیز از بدو قانون‌گذاری کیفری تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌رغم پذیرش سه عنوان مباشرت، شرکت و معاونت، از تغییر و تحول مصون نبوده است.

## ۲- سابقه تحقیق

یکی از نویسندگان در تحقیقی با عنوان جایگاه ترک فعل در تحقق عنصر مادی قتل در نظام کیفری اسلام و حقوق انگلستان اظهار داشته، قتل از طریق ترک فعل محقق می‌شود، لیکن هم در ترک فعل و هم در تارک فعل باید شرایطی موجود باشد، تا بتوان مرتکب را به لحاظ کیفری مسؤول شناخت. (امیری فرد، ۱۳۸۸: ۴۱)

در تحقیقی دیگر با عنوان خودداری از کمک به مصدومین و مسؤولیت‌های ناشی از آن، نویسندگان تلاش نموده‌اند تا یکی از مصادیق ترک فعل یعنی خودداری از کمک به مصدومین را در موازنه با موازین حقوقی مورد نقد و بررسی قرار دهند و بیشتر به رویکرد فقها و بررسی اقوال ایشان در خصوص امکان تحقق قتل در صورت عدم کمک رسانی پرداخته شده است. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹)

در این راستا قانونگذار به حمایت اخلاقی پرداخته و به وظیفه اخلاقی افراد جامعه توجه ویژه‌ای نموده است. رکن مادی بزه خودداری از کمک به مصدومین را امتناع از اجرای دستور

**۳- تبیین مفاهیم**

منظور از بررسی اصطلاحی ترک فعل، بررسی آن از منظر حقوقدانان می‌باشد از این رو حقوقدانان برای ترک فعل تعاریف مختلفی را ذکر کرده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. منظور از ترک فعل آن است که به موجب قانون یا قرارداد یا عرف مسلم وظیفه‌ای صریح یا ضمنی به عهده شخصی گذاشته شود و آن شخص از انجام وظیفه خودداری ورزد و مقنن چنین رفتار منفی‌ای را مستوجب مجازات اعلام کرده باشد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

ب. ترک فعل در اصطلاح علم حقوق جزا، عبارت است از امتناع از ایفای تکلیفی که موضوع حکم قانونگذار بوده است (اردبیلی و فروتن، ۱۳۹۳: ۳۰۴).

بنابراین جرائمی مانند امتناع رؤسای برخی دستگاه‌های دولتی از اعلام جرائمی که به‌وسیله کارکنان تحت اداره یا نظارت آنها انجام شده است و نیز خودداری مقامات قضایی از انجام وظایف قانونی شامل این تعریف می‌باشند.

ج. به نظر می‌رسد کاملترین و جامع‌ترین تعریف از ترک فعل این تعریف باشد که جرم ترک فعل عبارت است از امتناع ارادی شخص از انجام فعل ایجابی معین که قانونگذار در شرایط خاص مکلف را در صورت توانایی ملزم به انجام آن نموده است (زراعت، ۱۳۹۴: ۳۳).

رفتار انسان، در شرایط مختلف ممکن است به صورت عمل مثبت باشد، به‌نحوی که نمود خارجی و عینی داشته یا به شکل ترک و امتناع از انجام کاری در آید. گاه مقنن برای بعضی ارزش‌های اجتماعی، اهمیت و حریم خاصی قائل گردیده و تجاوز به آن را با قید مجازات، منع می‌کند. حال، اگر کسی چنین حریم قانونی را مورد توجه و احترام قرار نداده و به جان و مال مردم تجاوز کند، مرتکب جرمی شده که عنصر مادیش، اقدام به امری است که مقنن آن را نهی کرده است ولی گاه قانونگذار، تکلیفی را برای مردم مقرر می‌دارد و

آنان را مجبور به انجام آن می‌نماید. در این صورت، اگر کسی از دستور مقنن خودداری نماید و به آن تکلیف عمل نکند، مرتکب جرمی شده که عنصر مادی آن با ترک فعل صورت پذیرفته است.

در حقوق انگلیس، در رابطه با ترک فعل، این قاعده وجود دارد که زمانی که برای تحقق جرمی ارتکاب فعلی از ناحیه متهم لازم است، همان جرم بوسیله ترک فعل نیز تحقق می‌یابد، مشروط به اینکه متهم به موجب مقررات کیفری ملزم بانجام وظیفه‌ای باشد ولیکن از انجام آن خودداری نماید (منتظر، ۱۳۸۹: ۸).

**۴- روش تحقیق**

مقاله حاضر از نوع نظری، به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت، توصیفی تحلیلی و به لحاظ روش، کتابخانه‌ای است. با مطالعه و بررسی کتب و مقالات در ارتباط با موضوع گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار فیش برداری انجام شد. جهت بررسی موضوعات پیش‌رو در نظام حقوقی ایران قوانین مصوب و رویه قضایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با بررسی مواد قانونی مرتبط به بررسی موضوع پرداخته خواهد شد. جهت بررسی موضوع با توجه به نظام حقوقی حاکم بر انگلستان تا حد امکان به بررسی رویه قضایی و آرای صادره در جهت تحلیل موضوعات و مباحث مرتبط پرداخته خواهد شد با این حال مجموعه قوانین کیفری انگلستان مصوب ۱۹۸۳ با اصلاحات بعدی با توجه به مدون بودن مطالب بیشتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

**بحث و نظر**

قانون مجازات اسلامی حکم شرکت در جرم را این گونه بیان می‌دارد: ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی: «هر کس عالمأ و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد



حال یکی از مسایلی که در خصوص مشارکت در جرم باید مورد نظر قرار گیرد این است که آیا در جرایم ناشی از ترک فعل، مشارکت قابل تحقق است؟

برخی حقوقدانان بر این عقیده‌اند که شرکت در جرم ممکن است در قالب فعل مادی مثبت و ترک فعل و جرم فعل ناشی از ترک فعل صورت گیرد. بنابراین اگر دو مأمور ضابط دادگستری هر دو از گزارش کردن محل قمارخانه خودداری کنند، شرکت در جرم کرده‌اند یا اینکه شخصی پارچه‌ای را بر روی صورت کودک تازه متولد شده‌ای بیندازد تا وی نتواند نفس بکشد و مادر کودک نیز که خواهان مرگ این نوزاد ناخواسته است از کنار زدن پارچه خودداری ورزد، در صورتی که دو نفر در انجام وظیفه خود مرتکب مسامحه و اهمال شوند و در نتیجه تقصیر آنها زندانی فرار کند، آنها در مقابل فرار یا مرگ وی مسؤول خواهند بود، لذا شرکت در جرم سلبی محقق است خواه عمدی و خواه ناشی از تقصیر (واحدی نوایی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

### ۲- امکان تحقق معاونت از طریق ترک فعل

مجرم یا گنهکار گاهی به تنهایی عمل جرم یا گناه را انجام می‌دهد که عنوان فاعل دارد و گاهی نیز با همکاری دیگری با دیگران مرتکب می‌شود به گونه‌ای است که فرد یا افرادی به تنهایی عنصر مادی گناه را مرتکب می‌شوند؛ ولی فرد یا افراد دیگری وی یا آنها را در انجام عنصر مادی یاری و کمک می‌کنند که به عمل این فرد یا افراد در فقه اسلامی «اعانت بر اثم» گفته شده و به آنان عنوان «معین» داده‌اند. در حقوق جزای عرفی به عمل فوق، «معاونت در جرم» گفته شده و به افراد فوق عنوان «معاون» داده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

### ۳- معاونت از طریق ترک فعل در حقوق کیفری در ایران

برای سال‌ها قابلیت ترک فعل برای تشکیل رفتار مجرمانه جرایم علیه اشخاص مورد بحث و مجادله حقوقدانان قرار

خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود.»

همان‌گونه که در متن ماده ۱۲۵ ق.م.ا تصریح شده است، موضوع شرکت در جرم فقط جرایم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده است. البته معنای این کلام، آن نیست که مشارکت در جرایم مستوجب حد یا قصاص یا دیه امکان ندارد بلکه منظور آن است که شرکت در این جرایم تابع مقررات خاص خود هستند.

### ۱- شرکت در جرم از طریق ترک فعل

در حقوق جزای انگلستان بخش سوم تحت عنوان مداخله در جرم، در ماده ۳۲ این بخش با عنوان مباشر و شریک بیان می‌دارد: هر شخصی که در یک جرم مداخله نماید، مجازات می‌شود: الف) زمانی که او واقعاً مرتکب جرم می‌شود خواه مستقیم یا به صورت غیر مستقیم. به عنوان نمونه ارتکاب جرم به وسیله حیوانات یا قوای طبیعی، زمانی که او مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شود، شخصاً بدون اینکه مداخله نماید در عملیات مجرمانه با همکاری قصد نیمه مجرمانه را داشته باشد؛ ب) در جایی که با به کارگیری افراد مختل‌المشاعر مرتکب جرم شود یا با علم و اطلاع شخص دیگری را مجبور به ارتکاب جرم نماید. به موجب بند ۳ ماده ۳۲ مجازات شریک جرم در نظام حقوقی انگلستان در صورت تعدد مداخله‌کنندگان مجازات یکسان و برابر می‌باشد با این حال دادگاه‌ها در زمان تعیین مجازات به موجب ماده ۴۰ ویژگی‌های شخصی مرتکبین و همچنین درجه‌ی تقصیر افراد را به موجب ماده ۸۶ در مورد شرکا در زمان تعیین مجازات در نظر خواهد گرفت.

شرکت در جرم با وجود دو شرط امکان پذیر است: ۱. علم و اطلاع آنان از ماهیت عمل ارتكابی ۲. مشارکت و همکاری در انجام عملیات اجرایی جرم (گرچی، ۱۳۸۴: ۳۳۵).

اسباب جزئیة جرایم در فقه اسلامی، قابل تعقیب و مجازات خواهند بود می‌توان گفت که چنین افرادی بزهکار هستند چراکه سکوت آنان سبب تحریک دیگری به ارتکاب جرم گردیده و باید به مجازات ترک فعل خود برسند ولی چون کلمات تحریک و ترغیب از باب تفعیل بوده و افعال متعددی اغلب بر امور مثبت صادق بوده شامل منفی و عدمی نمی‌گردد (شامبیاتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

### ۳-۲- نظر موافقان

برخی حقوقدانان با این نظر که معاونت با ترک فعل امکان‌پذیر است موافق می‌باشند و می‌نویسند: به اعتقاد ما ترک فعل نیز در شرایط خاص امکان تسهیل وقوع جرم را فراهم می‌کند و اگر بتوان ثابت کرد که تارک فعل در وحدت قصد با مباشر بوده است، معاون قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. بدیهی است ظرافت این مسأله دقت کافی را برای احراز معاونت می‌طلبد (نورپها، ۱۳۸۵: ۲۱۴).

همچنین برخی از حقوقدانان بیان می‌کنند معاونت در جرم منحصر در فعل مادی نیست بلکه از طریق ترک فعل نیز امکان دارد مانند اینکه ضابط دادگستری که مسؤولیت جلوگیری از ارتکاب جرم یا گزارش آن را بر عهده دارد، از انجام وظیفه خود ممانعت و خودداری کند و یا رئیس یا وزیری با علم به اینکه مأمورین زیر دست او به اختلاس و ارتشاء مشغول‌اند هیچ گونه عملی جهت جلوگیری از جرم به عمل نیاورد و حتی با سکوت خود عملیات آنان را تأیید ضمنی کرده و موجب دلگرمی آنها می‌شود (زراعت، ۱۳۹۴: ۳۳).

فعل معاونت باید ایجابی باشد و امکان ندارد با فعل سلبی ابراز شوند. ولی خویشننداری به منظور تسهیل وقوع جرم یا خودداری از منع ارتکاب جرم که از آن افاده تحریک یا ترغیب شود ممکن است نوعی معاونت تلقی شود. به نظر می‌رسد باید میان کسی که شاهد و ناظر ارتکاب جرم بوده و نقش انفعالی در وقوع آن داشته است و کسی که رفتارش

گرفته است، علی‌الاصول بسیاری اعتقاد دارند که معاونت فقط با انجام فعل مادی مثبت قابل تحقق است و عده دیگری نیز بر این عقیده‌اند که معاونت با ترک فعل نیز امکان‌پذیر است که نظر هر دو گروه در زیر بیان شده است.

### ۳-۱- نظر مخالفان

برخی معتقدند که از نظر لغت و نه عرف، معاونت بر ترک فعل صدق نمی‌کند. برای تحقق مسؤولیت، وقوع جرم اصلی به تنهایی کافی نیست بلکه لازم است تا شخص معاون به یکی از طرق معین در قانون با مجرم اصلی مساعدت نماید. یعنی مرتکب عمل مثبت خارجی به یکی از صور مصرحه در قانون، مقدم یا مقارن با اصلی، شود. در این صورت است که رکن مادی معاونت در جرم تحقق یافته و معاون مستحق مجازات است.

فعل منفی از قبیل سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب حرام نمی‌تواند از مصادیق اعانت محسوب شود. مثلاً شخصی که از وقوع سرقت خانه همسایه آگاه می‌شود و سکوت اختیار می‌کند و اقدام به جلوگیری نمی‌کند عمل وی معاونت در جرم محسوب نمی‌شود (اردبیلی و فروتن، ۱۳۹۳: ۳۰۴).

این مطالب در متون حقوقی در بحث معاونت در جرم نیز منعکس است که یک شخص به صرف اینکه در خلال ارتکاب جرم حاضر بوده و از وقوع آن جلوگیری ننموده مجرم تلقی نمی‌شود.

اگر کسی سکوت کند و در اثر این سکوت کسی به قتل برسد، عمل سکوت اختیار کننده که از بیان حقیقت جلوگیری کرده جرم محسوب نمی‌شود و قابل مجازات نیست. سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از بزه را نمی‌توان معاونت تلقی کرد بنابراین اگر کسی در حضور دیگری مرتکب قتل شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری، سکوت اختیار کند، شخص حاضر مستوجب هیچ گونه مجازاتی نیست.

صرف نظر از این اظهار نظر هرگاه عبارت «باعث وقوع جرم شدن» را به معنی تسبیب تلقی کنیم، نظر بر اینکه موجدین

دلالت بر پیوند معنوی با مباشر جرم اصلی می‌کند قابل به تفکیک شد.

در صورت نخست مشکل است بتوان سکوت را حمل بر معاونت کرد، هر چند رفتار کسی که قادر به جلوگیری از وقوع جرم بوده و کوششی از خود نشان نداده است از نظر موازین اخلاقی ناپسند و درخور سرزنش است. در مورد جرم فعل ناشی از ترک فعل تنها زمانی می‌توان کسی را که با سکوت و عدم تحرک خود مانع وقوع جرم نشده مجازات کرد که مکلف به جلوگیری از وقوع جرم مذکور باشد (اردبیلی و فروتن، ۱۳۹۳: ۳۰۴).

در این باره دیوان عالی کشور آرای متعددی صادر کرده مبنی بر اینکه سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از بزه را نمی‌شود معاونت تلقی کرد. بنابراین سکوت مأمور نیروی انتظامی در قبال سرقتی که مأمور دیگر در حضور او مرتکب می‌شود معاونت در جرم سرقت نیست بلکه خود، جرم مستقل دیگری است، به موجب ماده ۵۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، گزارش ندادن مأمور و عدم انجام اقدامات لازم، جرم مستقلی محسوب می‌شود.

برخی هم بر این عقیده‌اند که در جزائیات معاونت در ترک فعل صدق نمی‌کند اما در امور مدنی، ترک فعل نیز معاونت است مثل ترک نفقه. اگر کسی دیگری را تشویق به ترک نفقه کند و او تحت تأثیر این تحریک، مرتکب جرم شود او معاون در جرم ترک نفقه است. آنچه از کلام بیشتر حقوقدانان بر می‌آید معاونت به شکل سلبی امکان‌پذیر نیست و فقط و با فعل مادی مثبت صورت می‌گیرد.

#### ۴- معاونت از طریق ترک فعل در حقوق کیفری انگلستان

در منابع حقوقی انگلیس، معاون جرم کسی است که با دیگری در ارتکاب فعل مجرمانه همکاری و مساعدت نموده یا وی را در ارتکاب جرم راهنمایی و مشورت نموده و یا مقدمات ارتکاب جرم را برای وی فراهم ساخته است.

مطابق حقوق کیفری انگلستان آنچه در پاسخ به این سؤال که آیا صرف حاضر بودن در صحنه جرم، می‌تواند شخص را به عنوان معاون مسؤول سازد یا نه؟ می‌توان گفت این است که به نظر می‌رسد که معمولاً این طور نباشد در صورتی که شما کنار ایستاده، تحقیق جرم را نظاره‌گر باشید به لحاظ کیفری مسؤول نخواهید بود، مگر در دو مورد: اول، جایی که شما وظیفه مداخله کردن دارید. این امر احتمال دارد به این دلیل باشد که موظف به اقدام جهت حفاظت از بزه‌دیده هستید (به طور مثال، پدر یا مادر بزه‌دیده هستید یا به عنوان محافظ شخصی استخدام شده‌اید) و دوم، جایی است که حضور شما، مباشر را به ارتکاب جرم ترغیب می‌کند، اما در این صورت، لازم است اثبات گردد که قصد داشتید با حضورتان، مباشر ترغیب شود.

یکی از موارد معاونت که به صورت ترک فعل در حقوق انگلستان امکان تحقق آن وجود دارد مساعدت کردن در ارتکاب جرم می‌باشد به نحوی که مطابق بند ۱ ماده ۳۶ مجموعه قوانین کیفری انگلستان، شخصی که در زمان ارتکاب یا قبل از ارتکاب جرم مباشر را به هر نحوی در ارتکاب جرم مساعدت نماید<sup>۱</sup> به عنوان معاون جرم شناخته می‌شود و به موجب بند ۳ ماده ۵۸ همین قانون قابل مجازات می‌باشد. بنابراین نگره‌بانی که به دلیل قفل نمودن درب ورودی یا عدم فعال کردن سیستم ایمنی در ارتکاب سرقت با مباشر جرم همراهی می‌نماید، به عنوان معاون جرم شناخته می‌شود.

#### ۵- فاعل معنوی یا فاعل غیرمباشر

حقوق آلمان فاعل معنوی یا مرتکب جانشین را در کنار معاون جرم مطرح کرده است و به شخصی گفته می‌شود که شخص غیر مسؤولی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند، به گونه‌ای که مباشر نظریه‌ی فاعل معنوی که فاعل غیر مباشر یا فاعل با

<sup>۱</sup> - Assistance of any kind whatever in the commission of an offence.



مستقیم اشاره‌ای نکرده است؛ که این تفاوت نیز مبنای محکمی ندارد.

در نهایت می‌توان گفت فاعل معنوی در حقوق ایران به عنوان یکی از اوصاف مجرمانه شناخته می‌شود که این وصف در فقه امامیه تحت عنوان سبب اقوی از مباشر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است از این رو که آیا امکان تحقق فاعل معنوی از طریق ترک فعل وجود دارد یا خیر؟ موضوع را باید در باب تسبیب جستجو نمود. در این خصوص می‌توان مصادیقی را ذکر نمود که فاعل معنوی از باب ترک فعل دارای مسؤولیت کیفری می‌باشد همانند برخی از مصادیق موضوع ماده ۱۲۸ ق. م. ا. بدین ترتیب که در اقداماتی که صغار و مجانین انجام می‌دهند برخی از ترک فعل‌های اولیاء آنها می‌تواند به عنوان فاعل معنوی شناخته شود.

#### ۶- امکان تحقق مباشرت از طریق ترک فعل

مباشر در جرم کسی است که عملیات اجرایی جرم را به تنهایی یا با مشارکت افراد دیگر مرتکب شود و آن عمل مجرمانه مستند به رفتار و فعل آن فرد یا افراد باشد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۴۹۴ در تعریف مباشرت مقرر می‌دارد: مباشرت آن است که جنایت به طور مستقیم از سوی خود مرتکب واقع شود.

در حقوق کیفری انگلستان نیز وضعیت به همین شکل است. هیچ مقرره‌ای به طور خاص، به مباشر جرم نمی‌پردازد. این درحالی است که به موجب قانون مساعدت کنندگان و تسهیل کنندگان جرایم مصوب ۱۸۶۱ اصلاحی به موجب قانون کیفری ۱۹۷۷، «هرکسی به وقوع جرم قابل کیفرخواست کمک کند، مرتکب را ترغیب یا آموزش دهد یا موجبات وقوع جرم را فراهم کند خواه جرم کامن‌لای باشد یا براساس قوانین مصوب جرم انگاری شده باشد قابل محاکمه و به‌اندازه فاعل اصلی مجازات می‌شود» ماده ۴۴ قانون دادگاه‌های صلح در خصوص جرایم اختصاری مقرر می‌دارد، «در جرایمی که در

واسطه نیز نامیده می‌شود، ماهیت مجرمانه معاونت از ماهیت مجرمانه مباشر گرفته می‌شود. بر این اساس وقتی مباشر شخصی غیرمسئول باشد، عمل معاون را نیز نمی‌توان تعقیب کرد؛ بنابراین باید به دنبال نظریه دیگری گشت که همان نظریه فاعل معنوی است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

یک دیدگاه آن است که فاعل معنوی، همان فاعل اصلی جرم است و با فاعل مادی، هیچ تفاوتی ندارد و مصادیق مزبور، فاعل معنوی جرم نیستند، بلکه فاعل مادی جرم می‌باشند؛ چرا که مباشر جرم، همچون وسیله‌ای در دست دیگری است و جرم قتل یا سرقت یا حمل مواد مخدر و بسیاری جرایم دیگر، جرم به وسیله نیستند تا وسیله جرم مؤثر در آن باشد. پس اگر کسی، کودکی را وادار کند که مالی را از مغازه‌ای بریاید مانند آن است که آن مال را با طناب از مغازه خارج کرده باشد و تفاوتی میان این دو وسیله نیست. این ادعا با دکترین غالب که فاعل معنوی را به موارد خاصی اطلاق نموده و فاعل مادی را منحصر به شخصی می‌داند که در عملیات مادی جرم دخالت دارد، سازگار نیست و طرفدار زیادی هم ندارد.

دیدگاه دیگر آن است که فاعل معنوی همان معاون جرم است اما فاعل معنوی با معاون جرم تفاوت دارد. تفاوت اساسی فاعل معنوی با معاون جرم در آن است که معاون جرم، شخصی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند که دارای سوءنیت است و مسؤولیت کیفری دارد و عمل مجرمانه را با سوء نیت انجام می‌دهد و نسبت به آنچه مرتکب می‌شود آگاهی کامل دارد و معاون به تبع مباشر، مسؤولیت کیفری پیدا می‌کند؛ اما فاعل معنوی، مسؤولیت مستقل دارد و مباشر اساساً فاقد مسؤولیت است. عده‌ای میان فاعل معنوی و فاعل غیر مستقیم، تفکیک قائل شده‌اند و مبنای این تفکیک، آن است که مصادیق فاعل معنوی در قانون مشخص شده است مانند اجبار دیگری به ارتکاب جرم؛ اما قانونگذار به فاعل غیر

در حقوق کیفری ایران قانونگذار در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی به صورت قاعده‌مند مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر را پیش‌بینی نموده است. ماده ۱۴۲ مقرر می‌دارد: «مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به صورت قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه یا نتیجه رفتار دیگری مرتکب تقصیر شود.»

علاوه بر ماده فوق، تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار مواردی از مسؤولیت ناشی از فعل غیر را در قوانین خاص به صورت موردی جرم‌انگاری نموده بود از جمله آن می‌توان به ماده ۹۱ قانون کار اشاره کرد در این ماده مقرر می‌دارد: «کارفرمایان و مسؤولان کلیه واحدهای موضوع ماده (۸۵) این قانون مکلف‌اند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تامین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعمل‌های مربوط کارگاه می‌باشند.»

همچنین تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات در خصوص مدیر مسؤول برای رفتار و مطالب مندرج در نشریه علاوه بر نویسنده مسؤولیت در نظر گرفته است. تبصره ۴ ماده ۹ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسؤول است و مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسؤول خواهد بود.»

همچنان که در مطالب فوق گذشت، برخی از مصادیق مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر به صورت ترک فعل محقق می‌گردد مانند کارفرمایی که از نظارت بر کارگران امتناع می‌نماید یا مدیر مسؤول نشریه‌ای که از وظیفه نظارتی بر مطالب مندرج در نشریه خودداری می‌نماید (بیزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

صلاحیت دادگاه‌های صلح است فاعل غیر اصلی به مجازات مجرم اصلی محکوم خواهد شد.»

هرچند سیستم عدالت کیفری انگلستان از خانواده کامن‌لا و سیستم حقوقی ایران تلفیقی از رومی ژرمنی و اسلامی است ولی بین نظام حقوقی ایران و انگلستان در موضوع حاضر وجوه اشتراک بسیاری است بدین دلیل که حقوق کیفری ایران پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر فقه امامیه بوده و بین سیستم حقوقی انگلستان و فقه امامیه در مسائل حقوقی از جمله شیوه‌های ارتکاب جرم و موضوع مباشر جرم وجوه اشتراک بسیاری است.

مباشر جرم به عنوان مرتکب در مقررات ارزیابی می‌شود در اینکه امکان تحقق مباشرت از طریق ترک فعل میسر می‌باشد. از آنجایی که غالب مصادیق ترک فعل به صورت تسبیب واقع می‌شود و امکان تسبیب به صورت مباشرت وجود ندارد از این رو امکان تحقق ترک فعل به صورت مباشرت محل تردید می‌باشد.

#### ۷- مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر

در مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر مسؤولیت کیفری به موجب حکم قانونی یا استنباط از قانون به منظور نیل به اهداف خاصی بر شخصی تحمیل می‌گردد که به هیچ شکل در وقوع جرم مداخله ندارد و غیر از رکن قانونی جرم، ارکان دیگر مسؤولیت کیفری (قابلیت انتساب) متوجه وی نیست، زیرا در این نوع مسؤولیت، هیچ نوع رفتاری در تحقق جرم از سوی مسؤول فعل غیر انجام نمی‌گیرد. همچنین فرد مسؤول اساساً عنصر روانی جرم را نیز ندارد. بنابراین اساس مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر بر فرض و الزامات قانونی استوار می‌باشد.

#### ۷-۱- مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری

ایران

د. اخیراً بر اساس قانون مصوب وزارت کشور انگلستان، مسؤولان تونل ماتش در پی دستگیری هر یک از مهاجرین غیر قانونی در تونل مزبور به پرداخت ۱۹۰۰ دلار جریمه محکوم می‌گردند.

این موارد از مصادیق مفروض مسؤولیت کیفری برای فعل غیر می‌باشند. لذا بار اثبات آن بر عهده مقام تعقیب قرار نمی‌گیرد. اما امکان رد مسؤولیت یاد شده با اثبات موازین مورد نظر قانونگذار وجود دارد. بدین ترتیب در این موارد مسؤولیت کیفری با اصل شخصی بودن قابل انطباق می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

نظام‌های حقوقی در بحث مداخله‌کنندگان در ارتکاب جرم اشکال مداخله را تحت عناوینی همچون شرکت در جرم، معاونت، فاعل معنوی، مباشرت و مسؤولیت کیفری مطرح می‌کنند. آنچه در خصوص مبحث ترک فعل محل بحث و بررسی است این مسأله است که آیا در جرایم ارتكابی از طریق ترک فعل نیز عناوین مجرمانه و یا اوصاف مجرمانه قابلیت تحقق دارد یا خیر؟ با بررسی عناصر و اجزای هر یک از اوصاف مجرمانه در این مقاله این مهم به دست آمد که عناوین مجرمانه همگی در جرایم ارتكابی از طریق ترک فعل نیز قابلیت تحقق دارد. به عبارت دیگر امکان معاونت، شرکت و یا سایر اوصاف مجرمانه در جرایم ارتكابی از طریق ترک فعل نیز امکان‌پذیر است. این مسأله در نظام حقوقی انگلستان نیز از وضعیت مشابهی برخوردار است.

برای آنکه بتوان جرمی را منتسب به فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد علاوه بر عنصر قانونی (مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا) و عنصر مادی جرم (شامل وقوع عمل در خارج) باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطهٔ روانی (یا رابطهٔ ارادی) موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی (روانی یا معنوی) می‌نامند. با نگاهی تطبیقی به

### ۷-۲- مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری انگلستان

در حقوق انگلستان بر جرایم ناشی از ترک فعل، اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری حاکم می‌باشد. بنابراین کسی که انجام وظیفه قانونی خود را به دیگری واگذار نموده است. در صورت انجام نگرفتن وظیفه مزبور شخصاً دارای مسؤولیت کیفری می‌گردد.

مسؤولیت نیابتی در حقوق کیفری انگلستان در دو قالب گوناگون ظاهر می‌شود: ۱. موارد منصوص قانونی ۲. قواعد ساخته شده در رویه قضایی. در این موارد قانون به صراحت مسؤولیت نیابتی را پیش‌بینی کرده است. این پیش‌بینی غالباً با قرار دادن الفاظی از قبیل (هیچکس خودش یا توسط مستخدم یا نماینده‌اش) قبل از تعریف عمل ممنوع انجام می‌گیرد. از مصادیق آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف. ماده ۱۶۳ قانون صدور پروانه مصوب سال ۱۳۹۶ مقرر می‌دارد که هیچ کس نباید شخصاً یا توسط مستخدم با نماینده خود برخی از کارها را انجام دهد.

ب. کارفرما برای جرم مزاحمت عمومی ارتکاب یافته با اموال او روی بزرگراه توسط مستخدمش مسؤول است، اگر چه جرم مزبور با سرپیچی از دستورات وی مبنی بر عدم ارتکاب جرم محقق گردیده باشد.

ج. به موجب مواد ۱ تا ۵ قانون رانندگی مصوب ۱۹۷۴ مالک وسیله نقلیه در رابطه با جرایم دارای مجازات ثابت و پارک غیر قانونی حتی در صورت ارتکاب آنها توسط دیگری مسؤول می‌باشد. البته این مسؤولیت در مورد جرایم شخصی که وسیله نقلیه را بدون رضایت مالک آن در تصرف دارد، محقق نمی‌گردد. تدوین قانون به صورت مذکور، ضروری بود. زیرا در غیر این صورت برای پلیس شناسایی مجرم واقعی بسیار دشوار می‌گردید. به ویژه اینکه جرایم مزبور فراوان و دارای مجازات ناچیزی می‌باشند.

چیز دیگری نمی‌تواند مصداق مقرر قانونی قرار گیرد به عبارت دیگر ترک فعل فقط آنچه در متن قانون آمده است به عنوان جرم شناخته می‌شود. تمایز میان فعل و ترک فعل نیز به عنوان یکی دیگر از چالش‌های ترک فعل شناخته می‌شود؛ تمایز میان فعل و ترک فعل نیز گاه دشوار است. هر چند این تمایز مشکل ذاتی تمام اصول اخلاقی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت اصولاً از نظر ماهیت تفاوتی بین فعل و ترک فعل در اینکه موجب سلب حیات از دیگری شوند، وجود ندارد، زیرا همانگونه که یک فرد می‌تواند با انجام فعل مانند تیراندازی، سم دادن و ضربه زدن دیگری را به قتل برساند، ترک فعل نیز می‌تواند باعث مرگ دیگری شود مانند اینکه زندانبان غذای زندانی را ندهد یا اینکه مادری از دادن شیر به فرزند خود امتناع نماید. برای تحقق هر جرم صرف ارتکاب رکن مادی به تنهایی برای سنجش رفتار مجرمانه کفایت نمی‌کند بلکه باید شرایط و اوضاع و احوال رکن مادی را مدنظر قرار داد، این درحالی است که در جرایم سلبی صرف عدم اقدام می‌تواند به عنوان شرط تحقق جرم شناخته شود بلکه همواره در نظام حقوقی ایران و انگلستان ترک فعل تحت شرایط خاصی به عنوان رفتار مجرمانه شناخته می‌شود که می‌توان به وظیفه قانونی، امتناع ارادی و امکان اجرا اشاره کرد. در نظام‌هایی که مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته، جرم ارتكابی توسط مدیران و نمایندگان آن مستقیماً یا در مقام اجرای تصمیمات و دستورات سهامداران، مسؤولیت کیفری شخص حقوقی را در پی خواهد داشت. این فرایند موجب تحقق یکی از اقسام مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر می‌گردد و بدین ترتیب قانونگذار برای نیل به اهداف خاصی بر موجودی فرضی و انتزاعی، مسؤولیتی فرضی را تحمیل می‌نماید، بنابراین قسمتی از این اهداف با ضرورت‌های فکری مسؤولیت کیفری شخص حقیقی ناشی از رفتار دیگری مشترک و برخی دیگر جنبه اختصاصی دارد. علاوه بر مراتب فوق شخصی حقوقی در

حقوق انگلستان این مهم معین گردید که در نظام حقوقی این کشور نیز از آن دسته از ترک فعل‌ها که فاقد قصد فعل و نتیجه می‌باشند، در یک صبغه خاصی از رفتار مجرمانه تحت عنوان شبه جرم یا تورت لا شناخته می‌شوند که قانونگذار در این دسته از رفتار صرفاً مسؤولیت مدنی و جبران خسارت را برای مرتکب در نظر گرفته است. از این رو می‌توان گفت این دسته از رفتارها در هر دو نظام حقوقی ماهیت متفاوت دارد. در خصوص امکان تحقق جرایم عمدی به صورت ترک فعل با بررسی و کنکاش فراوان تمامی ایرادات و انتقادات مطرح شده قابل رفع بوده و می‌توان به صراحت اعلام نمود که امکان تحقق جرایم عمدی به صورت ترک فعل وجود دارد، همانند مادری که عمداً از شیر دادن به طفل خود امتناع می‌نماید. گرچه در این خصوص اثبات عمدی بودن آنها کمی دشوار است، به عبارت دیگر از نظر ثبوتی و نظری امکان تحقق جرایم ترک فعل به صورت عمدی میسر است. گرچه در مرحله اثبات با دشواری روبه‌رو است، که این ایراد در سایر جرایم یعنی جرایم ارتكابی به صورت فعل نیز قابلیت بحث و بررسی دارد و باید گفت اثبات آن نیز چندان دشوار نیست، چرا که اراده و قصد از امور درونی است که براساس قرائن و اوضاع و احوال قابلیت اثبات پیدا میکند. گرچه ترک فعل به عنوان یک رفتار مجرمانه در نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است و قانونگذار ایران نیز در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ترک فعل را به عنوان یکی از رفتارهای مجرمانه شناخته است، با این حال چالش‌هایی را به دنبال دارد که این چالش‌ها ناظر بر ارکان ترک فعل و اصل جرم‌انگاری ترک فعل به عنوان رفتار مجرمانه می‌باشد. درباره چالش ماهیت ترک فعل باید گفت ترک فعل نمی‌تواند رفتار مجرمانه تلقی شود؛ بلکه لازمه قطعی آن است که ابتدا به موجب قانون، قرار داد یا عرف تکلیفی برای شخص مقرر شده باشد و او از انجام تکلیف سرباز زند (ترک واجب) (ترک وظیفه). در مواد قانونی مصادیق گاهی حصری است و هیچ

**سهم نویسندگان:** نویسندگان به صورت برابر در تهیه مقاله حاضر مشارکت داشته‌اند.

**تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی سامان یافته‌است.

رابطه با مسؤولیت کیفری شخص حقیقی ناشی از فعل غیر نیز می‌تواند به عنوان کارفرما مسؤول قلمداد گردد. در حقوق کیفری انگلستان در این خصوص گفته می‌شود مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر منتج از فعل مثبت، ترک فعل یا حالت نیست بلکه مسؤولیت مزبور بر مبنای اصل وضعیت استوار می‌باشد. بنابراین اگر کارفرما مسؤول اعمال کارگر شناخته می‌شود به دلیل آن است که در وضعیت کارفرمایی قرار دارد. مسؤولیت کیفری شخص حقیقی ناشی از فعل غیر بر اساس نحوه استخراج آن از قانون دارای دو مفهوم قانونی و قضایی می‌باشد. در مفهوم قانونی، مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر با صراحت از جانب قانونگذار در قوانین جزائی پیش‌بینی گردیده است اما در مفهوم قضائی مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر قانونگذار تصریحی به مسؤولیت مزبور ننموده بلکه رویه قضایی محاکم که از جانب دادگاه‌های عالی تثبیت گردیده و با تفسیر برخی موارد قانونی مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر را مورد شناسایی قرار داده است و بر این اساس محدوده مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر توسعه بیشتری یافته است. البته این تفسیر به دلخواه قضات محاکم انجام نمی‌شود بلکه بر اساس هدف قانون الفاظ به کار رفته ماهیت تکلیف طرح شده، شخصی که آن تکلیف بر او تحمیل گردیده، شخصی که آن وظیفه توسط او در وضعیت‌های معمولی ایفا می‌شود و شخصی که بر او مجازات تحمیل می‌گردد. به عمل می‌آید.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**تعارض منافع:** در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



## منابع و مأخذ

- الف. منابع فارسی**
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی اسلام*. جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات داد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶). *قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسؤولیت، چاپ سوم، قم: انتشارات علوم اسلامی*.
- منتظر، وحید (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی ترک فعل در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده امریکا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.
- نوربها، رضا (۱۳۸۵). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ هفدهم، تهران: نشر دادآفرین.
- واحدی نوایی، آوا (۱۳۸۷). *نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان (تکرار جرم بررسی حقوقی)*. تهران: انتشارات میزان.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۳). «بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر». *مجله حقوق پزشکی*، ۸(۳۱): ۱۱۵-۱۴۷.
- ب. منابع انگلیسی**
- Clarkson, C. (2005). *Understanding Criminal Law*. 1th ed. London: Sweet & Maxwell Publication.
- Hart, H (1986). "Social Solidarity and the Enforcement of Morality". *Chicago Law Review*, 35(1): 50-288.
- اباذری، کبری؛ رضایی‌راد، عبدالحسین و آل‌طاها، سید حسین (۱۳۹۴). *تحلیل فقهی حقوقی ضمان عاقله و مسؤولیت بیمه*. تهران: انتشارات مجد.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی و فروتن، مصطفی (۱۳۹۵). «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۹(۷۳): ۳۴-۱۱.
- امیری فرد، مجتبی (۱۳۸۸). *جایگاه ترک فعل در تحقق عنصر مادی قتل در نظام کیفری اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی یک، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل*.
- سلطانی، مهدی (۱۳۹۱). *حقوق جزای عمومی: مجرم و مسؤولیت کیفری*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹). *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. جلد اول، تهران: انتشارات ویستار.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۸۵). *رساله‌ای درباره‌ی آزادی*. جلد دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- عباسی، محمود؛ احمدی، احمد و اله‌بداستی، ندا (۱۳۹۲). «خودداری از کمک به مصدومین و مسؤولیت‌های ناشی از آن». *مجله حقوق پزشکی*، ۷(۲۵): ۲۹-۵۶.

## References

- Abazari, K; Rezaei Rad, AH & Aletaha, SH (2015). *Legal and Jurisprudential Analysis of Liability for Nearer Kin and Insurance Liability*. Tehran: Majd. (Persian)
- Abbasi, M; Ahmadi, A & Allah Bedashti, N (2013). "Refusal to Help the Injured and Its Liabilities". *Journal of Medical Law*, 7 (25): 29-56. (Persian)
- Amiri Fard, M. (2009). *The Role of Omission in Actus Reus of Murder in the Islamic Criminal Law*. Master's thesis. Tehran: University of Tehran. (Persian)
- Ardabili, MA (2014). *Principles of Criminal Law*. Tehran: Mizan. (Persian)
- Ardabili, MA (2016). "Foroutan, Mustafa. Perpetration-by-means in Iran criminal law". *Journal of Legal Research*, 19 (73): 11-34. (Persian)
- Clarkson, C (2005). *Understanding Criminal Law*. 1th ed. London: Sweet & Maxwell Publication.
- Golduzian, I (1999). *Requirements of Principles of Criminal Law*. 2d ed. Tehran: Mizan.
- Gorgi, A (2015). *Islamic Principles of Criminal Law*. Vol 1, 3d ed. Tehran: Dad. (Persian)
- Hart, H (1986). "Social Solidarity and the Enforcement of Morality". *Chicago Law Review*, 35(1): 50-288.
- Mohaghegh Damad, SM (2008) *Rules of Jurisprudence: Civil Section (Ownership and Liability)*. 3d ed. Qom: Islamic Sciences. (Persian)
- Montazir, V (2010). *A Comparative Study of Omission in the Criminal Law of Iran and the U.S. Master's thesis on criminal law and criminology*. Qom: Qom University. (Persian)
- Nour Baha, R (2006). *The Field of Principles of Criminal Law*. 17d ed. Tehran: Dadafarin. (Persian)
- Shambayati, H (2010). *Specific Criminal Law (Committing Crimes against Persons)*. Vol 1, Tehran: Wistar. (Persian)
- Sheikholislami, J (2006). *A Treatise on Freedom*. Vol 2. Tehran: Scientific and cultural publications. (Persian)
- Soltani, M (2012). *Principles of Criminal Law: Criminal and Criminal Liability*. vol. 2. 2d Ed. Tehran: Dadgostar. (Persian)
- Vahedi Navai, A (2008). *The Iranian Criminal System during the Sassanid Dynasty (Repetition of the Crime: Legal Investigation)*. Tehran: Mizan. (Persian)
- Yazdian Jafari, J (2014). "An Investigation into the Crime of Refusing to Help People at Risk." *Journal of Medical Law*, 8 (31): 115-147. (Persian)
- Zera'at, A (2015) *Principles of Criminal Law*. Vol 1, Tehran: Jangal. (Persian)